

شاخص‌سازی مؤلفه‌های سیاست و فضا در جغرافیای سیاسی

محمد رضا حافظ‌نیا* - استاد گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

مصطفی قادری حاجت - کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

زهرا احمدی پور - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۲/۱۵ تأیید نهایی: ۱۳۸۸/۱۰/۲۳

چکیده

جغرافیای سیاسی شاخه‌ای از علم جغرافیاست که به مطالعه و کالبدشکافی پدیده‌های سیاسی فضایی و نواحی متشکل و سازمان یافته سیاسی، از سطح خرد تا کلان (میکرو تا ماکرو) می‌پردازد. از دیدگاه علمی، موضوع دانش جغرافیای سیاسی را کنش متقابل متغیرهای سیاسی با متغیرهای فضایی تشکیل می‌دهد. پس با توجه به آنچه که اشاره شد، دو مؤلفه سیاست و فضا از مفاهیم اساسی این رشته‌اند که شناخت شاخص‌های آنها از مهم‌ترین اقدامات زیربنایی در درک پدیده‌های سیاسی - فضایی به‌شمار می‌آید. فضا را می‌توان عرصه‌ای سه‌بعدی که دارای هویت، ساختار، سیستم‌ها و مرزهای مشخص است و مقیاس‌های مختلف و چشم‌انداز پویا (دینامیک) دارد و قلمرو زندگی، تحرک، احساس، آرمان و فعالیت انسان‌ها را تشکیل می‌دهد، به حساب آورد. اما سیاست متأثر از ایدئولوژی‌های گوناگون عبارت است از: مفاهیم و نهادهای سیاسی فرمانروا، فرایندها و سازوکارهای تصمیم‌سازی که بر پایه نظام ارزشی پدید آمده‌اند و با پشتیبانی عامل قدرت مستتر در حاکمیت، بر فضای جغرافیایی تأثیر می‌نهند و از آن تأثیر می‌پذیرند. این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و میدانی و با شیوه توصیفی - تحلیلی، سعی بر شناسایی و رتبه‌بندی، شاخص‌های سیاست و فضا در جغرافیای سیاسی دارد. یافته‌ها بیانگر این مطلب است که شاخصه‌های شناخته شده در مباحث نظری با توجه به یافته‌های میدانی تأیید شدند، و بر این اساس از ۵۱ شاخص مورد آزمون، تعداد شاخص‌های سیاسی مطلق ۱۹ شاخص، شاخص‌های فضایی مطلق ۲۲ و شاخص‌های دوگانه ۱۰ شاخص شناسایی و رده‌بندی شدند. نکته شایان توجه وزن و اهمیت بیشتر شاخص‌های فضایی در قیاس با شاخصه‌های سیاسی بود، که نشان از اهمیت و جایگاه هر یک از این مؤلفه‌ها در مطالعات جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دارد.

کلیدواژه‌ها: سیاست، فضا، ایدئولوژی، جغرافیای سیاسی.

مقدمه

سیاست و فضا از مبانی اساسی جغرافیای سیاسی‌اند که شناخت شاخصه‌های آنها در گرو درک مفاهیم این دو مؤلفه است.

در مورد فضا می‌توان گفت: مفهومی جغرافیایی است که در فرجام کنش کنشگران انسانی با مکان‌های مختلف جغرافیایی و در قلمرو حیات جمعی شکل می‌گیرد و از این نظر در برگرفته تمام عرصه‌های حیات انسانی - اعم از اقتصاد، سیاست، فرهنگ، هویت و جز اینها - است. دومین مؤلفه تأثیرگذار در جغرافیای سیاسی عبارت است از سیاست، که آن نیز عبارت است از به‌کارگیری تدبیر در جهت گسترش رفاه و افزایش رضایت‌مندی گروه‌های انسانی. عنصر سیاست در سه حوزه ایدئولوژی، اندیشه سیاسی، ساختارها و سیستم‌های سیاسی مدنظر است. کنشگرانی که اقدام به تصمیم‌گیری و کنش سیاسی می‌کنند نیز در حوزه‌های مختلفی قرار دارند، شامل دولت‌ها و حکومت‌ها، گروه‌های سیاسی، سازمان‌های غیرحکومتی، نهادهای فراملی - و به عبارتی بین‌المللی - و افرادی نظیر نخبگان اجتماعی و رهبران سیاسی. به این ترتیب برای ورود به مباحث جغرافیای سیاسی شناخت شاخصه‌های تأثیرگذار این دو متغیر از مهم‌ترین مسائل‌اند و اولویتی اجتناب‌ناپذیر دارند. نتایج تحقیق بیانگر این است که در نگاهی سطحی برشمردن شاخصه‌های سیاسی و فضایی در جغرافیای سیاسی کاری ساده و پیش پا افتاده است، ولی واقعیت امر بسیار پیچیده و مشکل‌تر از آن است که با دیدگاهی غیرعلمی و غیرمستدل بتوان دست به شاخص‌سازی این مؤلفه‌ها زد. از آنجا که تعدادی از این شاخص‌ها در شمار شاخصه‌های سیاسی - فضایی قرار می‌گیرند، همین امر لزوم شناسایی و رتبه‌بندی شاخص‌های این دو مؤلفه را دو چندان می‌کند.

روش تحقیق

جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز این مقاله در دو بخش صورت گرفته است. بخش اول مربوط به جمع‌آوری مبانی نظری موضوع و سوابق تحقیقات صورت گرفته پیشین بوده که به روش‌های کتابخانه‌ای، جست‌وجوی اینترنتی سایت‌ها، مجله‌های علمی و پژوهشی انجام شده است. بخش دوم تحقیق از طریق مطالعه میدانی (جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه) صورت پذیرفته است.

جامعه آماری پژوهش متشکل از استادان رشته‌های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل داخل و خارج از کشور بود و حجم نمونه نیز ۶۰ نفر از استادان رشته‌های پیش‌گفته را که به صورت تصادفی انتخاب شدند، در بر می‌گرفت.

پرسش اصلی که در این تحقیق می‌توان بیان کرد، اینهاست: مهم‌ترین شاخص‌های مؤلفه سیاست در جغرافیای سیاسی کدام‌اند؟ و مهم‌ترین شاخص‌های مؤلفه فضا در جغرافیای سیاسی چیستند؟ با توجه به بیان مسئله و پرسش‌های تحقیق، فرضیاتی در مورد مهم‌ترین مؤلفه‌های سیاست و فضا در جغرافیای سیاسی مطرح شد. به نظر می‌رسد شاخصه‌هایی چون حکومت، دولت، ایدئولوژی، قانون اساسی، قوانین نهادی، آیین‌نامه‌ها، برنامه‌ها و سازوکارهای تصمیم‌گیری دموکراسی، احزاب، انتخابات و نظایر اینها از مهم‌ترین شاخصه‌های مؤلفه سیاست در جغرافیای سیاسی به‌شمار می‌آیند؛ و شاخصه‌هایی چون محیط طبیعی و انسانی، سرزمین، قلمرو، ناحیه، مرز، مکان، مهاجرت، اقوام و نظایر اینها از مهم‌ترین شاخصه‌های مؤلفه فضا در جغرافیای سیاسی‌اند.

مبانی نظری تحقیق

قبل از پرداختن به مباحث اصلی مرتبط با سیاست و فضا، لازم است مطالبی در زمینه ایدئولوژی به عنوان راهنمای تدوین سیاست‌ها و نقش‌آفرینی‌هایی که تظاهر فضایی دارند و بر فضای جغرافیایی تأثیر می‌گذارند، ولو مختصر ذکر شود. ایدئولوژی‌ها به عنوان نرم‌افزار هدایتگر عمل در فضای جغرافیایی مطرح‌اند و از آنجا که ایدئولوژی‌ها سیاست‌های خاص خود را در جامعه دنبال می‌کنند، با اجرا و پیگیری سیاست‌های مورد قبول خود در فضای جغرافیایی تأثیر می‌گذارند - و همین امر اهمیت پرداختن به ایدئولوژی را در آغاز این بحث دوچندان می‌کند. تعاریف بسیاری از ایدئولوژی ارائه شده است و خواهد شد. برای جلوگیری از اطاله کلام، ایدئولوژی را از نظر جغرافیایی می‌توان به این صورت تعریف کرد: ایدئولوژی عبارت است از تبدیل مجموعه‌ای از عقاید و باورهای مورد قبول جمع مشخصی از انسان‌ها که در پی عملیاتی کردن افکار و عقاید خود بر فضای جغرافیایی تأثیر می‌گذارند.

دانش واژه «پولیتیک» از واژه یونانی «پولیس» به معنای شهر گرفته شده است. از نظر یونانی‌ها، سیاست دانشی مربوط به اداره امور شهر بود (عالم، ۱۳۸۵، ۲۳). برای واژه سیاست معانی متعددی بیان کرده‌اند، مانند: فرمانروایی، مدیریت، عدالت، داوری، ریاست، مردم‌داری، تدبیر، تنبیه و مجازات، کشورداری، حراست، قدرت‌طلبی و جز اینها (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ۲۰۴). اغلب اوقات سیاست به عنوان فرایند یا واژه‌ای که اشاره به دستگاه حکومت دارد، تعریف شده است (Doyle & Mceachern, 2001, 11). در واقع در این تعریف دستگاه حکومت به عنوان نماد کامل سیاست معرفی می‌شود.

سیاست به معنای تدبیر و به کار گرفتن آن در کار کشورداری یا اداره اجتماع است. در دوران پسامدرن که از فروپاشی نظام دوقطبی در جهان آغاز شد، زیربنای شکل گرفته نظام جهانی براساس تفاوت‌های ایدئولوژیک دگرگون شد و با جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد، نظام جهانی جنبه‌ای اقتصادی پیدا کرد. به این ترتیب نقش سیاست در خدمت اقتصاد ژرف‌تر از گذشته شد و سیاست با توجه به جغرافیا دوران کاملاً تازه‌ای را در مطالعات علمی منطقه‌ای و جهانی بشر آغاز کرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱، ۲۰). تا به حال تعاریف فراوانی از سیاست ارائه شده است که آنها را می‌توان در سه گروه دسته‌بندی کرد. در جدول ۱ اینها با توجه به نکات تأکیدی‌شان به سه دسته تقسیم شده‌اند:

گروه اول، مفهوم حکومت و فرمانروایی را می‌رساند، که بر بنیاد فرماندهی و فرمانبرداری استوارند. گروه دوم تعریف هنجار و باید و نبایدها را بیشتر مدنظر قرار می‌دهند. در این تعبیر، سیاست آن گونه در واقعیت مشاهده می‌شود، یعنی در مقام توضیح و تبیین مطرح نیست و سخن نه از «بود» بلکه از «باید» است. گروه سوم با مفهوم حل و فصل منازعه، فرض را بر این می‌نهد که کشمکش‌هایی وجود دارند که فرایند سیاسی در صدد پایان دادن به آنهاست (کتابی، ۱۳۷۴، ۲۵). آنچه در این مقاله برای ما اهمیت دارد، سیاست از منظر جغرافیایی سیاسی است، که عبارت است از: هر اقدام و یا هر پدیده‌ای که عامل قدرت و جوهر حاکمیت در آن مستتر باشد. پس به این ترتیب، سیاست متأثر از ایدئولوژی‌های گوناگون عبارت است از: مفاهیم و نهادهای سیاسی فرمانروا، فرایندها و مکانیسم‌های تصمیم‌ساز که بر پایه نظام ارزشی پدید آمده است و با پشتیبانی عامل قدرت مستتر در حاکمیت، بر فضای جغرافیایی تأثیر می‌نهد و از آن تأثیر می‌پذیرد.

جدول ۱. گروه‌های تعریفی سیاست و مفاهیم پایه آنها

تعاریف	مفاهیم پایه	گروه تعریفی
سیاست عبارت است از دانش اهداف و مقاصد دولتی و نیز وقوف بر مناسب‌ترین و شایسته‌ترین ابزار، به منظور محقق ساختن اهداف یاد شده. سیاست هنر است: هنر تنسیق رهبری گروه‌ها، هنر محقق ساختن این رهبری. سیاست شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که دولت را به طور عینی و انتقادی از بُعد قدرت مورد مطالعه قرار می‌دهد. رابطه فرماندهی و فرمانبرداری و مطالعه تأثیر آن بر رفتار انسان، هدف علم سیاست است.	۱. دولت ۲. رهبری ۳. قدرت ۴. سلسله مراتب	حکومتی
سیاست عبارت است از منازعه برای نظم درست. موضوع و هدف سیاست صلح است، و صلح به طور مطلق مقوله‌ای سیاسی است. علم سیاست، علم آزادی است. هدف علم سیاست کاربردی و انتقادی است، و دستیابی به نظریه‌ای سیاسی است که متضمن نتایج نقد جامعه باشد. این علم به منظور تحلیل آن دسته از ساختارهای حکومتی که از لحاظ سیاسی اهمیت دارند، دموکراسی را همچون مفهومی بنیادین مورد استفاده قرار می‌دهد.	۱. نظم ۲. صلح ۳. آزادی ۴. دموکراسی	هنجاری
سیاست کنشی اجتماعی و هدف آن فیصله دادن به منازعه‌های اجتماعی بر سر ارزش‌ها، به شیوه‌ای مسئولانه است. سیاست عبارت است از مبارزه طبقات و احزاب وابسته به آنها، و دولت‌ها و نظام‌های جهانی، که به منظور تحقق علایق و اهداف اجتماعی-اقتصادی در تمامی بخش‌های زندگی اجتماعی جریان دارد.	۱. منازعه ۲. مبارزه طبقاتی	منازعه

منبع: کتابی، ۱۳۷۴، ۲۵

شاخصه‌های مؤلفه سیاست در جغرافیای سیاسی

پس از بررسی مفهوم سیاست و قلمرو آن، اکنون به ذکر مهم‌ترین شاخصه‌های مؤلفه سیاست که با فضای جغرافیایی کنش متقابل دارد، پرداخته می‌شود. لازم به یادآوری است که شاخص‌های سیاسی در طیفی قرار می‌گیرند که کنشگران، فرایندهای سیاسی و مستندات سیاسی تشکیل‌دهنده آن‌اند و هر یک مشتمل بر مواردی چند هستند که در جدول ۲ می‌توان آنها را مشاهده کرد.

جدول ۲. شاخص‌های سیاسی

۱. رئیس حکومت (رهبر، رئیس جمهور، پادشاه، سلطان و جز آن)؛ ۲. رئیس دولت (نخست وزیر، صدر اعظم، وزرا و مانند اینها)؛ ۳. پارلمان‌ها و مجالس قانون گذاری؛ ۴. نمایندگان دولت (استاندار، فرماندار، رئیس ایالت و جز آن)؛ ۵. سفرا (سفیر، سر کنسول، وزیر مختار)؛ ۶. احزاب (رئیس، کمیته سیاسی، دبیر کل و جز اینها)؛ ۷. گروه‌های فشار؛ ۸. رهبران و نخبگان سیاسی؛ ۹. حکومت/ دولت محلی؛ ۱۰. مجلس؛ ۱۱. سازمان‌های بین‌المللی؛ و ۱۲. NGO ها و گروه‌های فشار.	(۱) کنشگران سیاسی
۱. نظام تصمیم‌گیری؛ ۲. قانون گذاری؛ ۳. مدیریت؛ و ۴. فرمانروایی	(۲) فرایندهای سیاسی
۱. قانون اساسی؛ ۲. قوانین عمومی و عادی مصوب پارلمان؛ ۳. مقررات و آیین‌نامه‌ها؛ ۴. بخشنامه‌ها، فرمان‌ها و احکام حکومتی (صادر شده از سوی رئیس حکومت)؛ ۵. برنامه‌های توسعه اقتصادی؛ ۶. هدف گذاری‌ها (چشم‌اندازهای توسعه)؛ ۷. استراتژی‌ها؛ و ۸. پیمان‌ها و اساسنامه‌ها	(۳) مستندات سیاسی

فضا

در جغرافیا تعاریف متعددی از فضا ارائه شده است که از آن جمله می‌توان به اینها اشاره کرد: «فاصله میان نقاط و پدیده‌ها» و «گستره پیوسته‌ای که در آن اشیا و پدیده‌ها قرار گرفته‌اند و حرکت می‌کنند» (مدنی‌پور، ۱۳۷۹، ۲۲). فضا در جغرافیا عبارت است از بخشی از سطح زمین، که انسان در آن سکونت دارد و جایگاهی است که زمان‌بندی زندگی اجتماعی در آن تحقق می‌یابد. برای شناخت مفهوم فضا در جغرافیا می‌توان آن را به دو بخش فضای مطلق و فضای نسبی تقسیم کرد:

الف) فضای مطلق: فضای مطلق برخلاف فضای نسبی که به پیروی از نیازهای انسان ماهیت پیدا می‌کند، دارای کیفیتی عینی و واقعی و مشخص است. درواقع موقعیتی اختصاصی یا ریاضی است که، نسبت به خط استوا و مبدأ قراردادی کمان گرینویچ^۱ مشخص می‌شود و دارای ثبات است و این همان چیزی است که طول و عرض جغرافیایی می‌نامند (حافظنیا، ۱۳۸۵، ۱۶۱). در واقع فضای مطلق بیانگر بعدی از اشیاست که مبین تمرکز و پراکندگی آنهاست.

ب) فضای نسبی: این نوع موقعیت جایگاه یک مکان یا فضای جغرافیایی را نسبت به جهات چهارگانه و نیز نسبت به عوامل مختلف و همچنین مکان‌ها و فضاهای دیگر و یا همجوار مشخص می‌سازد؛ و از آنجا که مبادی موقعیتیابی در این نوع از موقعیت قراردادی و وضعی است و با تغییرات اوضاع تغییر می‌کند، می‌توان آن را دارای ماهیت ناثبات و متغیر فرض کرد (حافظنیا، ۱۳۸۵، ۱۶۱). درواقع برداشت‌های نسبی از فضا، برخلاف فضای مطلق، فقط رابطه‌ای است میان رویدادها و ویژگی‌های آن، و بنابراین وابسته به زمان و فرایند است.

مفهوم فضا در جغرافیا

فضای جغرافیایی را می‌توان این گونه تعریف کرد:

فضای جغرافیایی عبارت است از عرصه‌ای سه‌بعدی و دارای هویت، ساختار، سیستم‌ها و مرزهای مشخص، و همچنین دارای مقیاس‌های مختلف و چشم‌اندازی پویا و دینامیک، که قلمرو زندگی، تحرک، احساس، آرمان و فعالیت انسان‌ها را تشکیل می‌دهد.

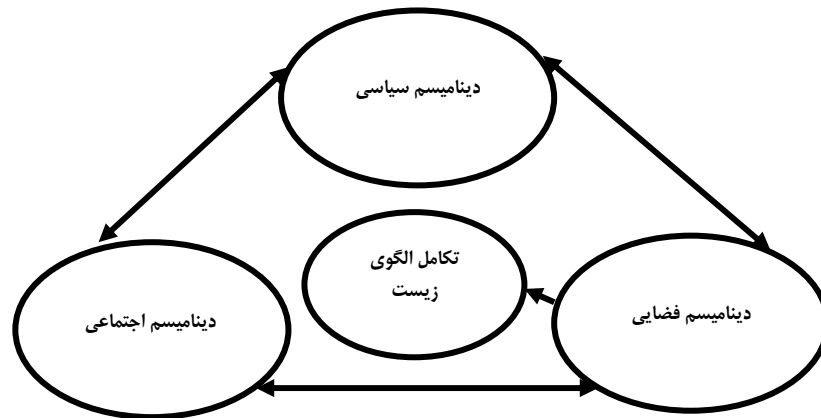
بر این اساس فضای جغرافیایی دارای ویژگی‌هایی بدین شرح است:

۱. هر فضای جغرافیایی دارای مکان و موقعیت، طول و عرض و ارتفاع، محدوده و مرزهای خاص و مشخص است.

۲. هر فضای جغرافیایی براساس عناصر و خصیصه‌های ساختاری یا کارکردی - و یا ترکیبی از آنها - دارای هویت ویژه است و از سایر فضاها متمایز می‌شود.

1. Greenwich

۳. یکی از ارکان اساسی فضای جغرافیایی، جمعیت انسانی است که از آن به عنوان زیستگاه خود استفاده می‌کند و با عناصر ساختاری آن کنش متقابل دارد.
۴. فضای جغرافیایی دارای عناصر ساختاری است که به طور منطقی با یکدیگر جفت و جور می‌شوند و فضا از ترکیب آنها آمایش و انتظام می‌یابد، و در واقع به مثابه جسم و کالبد فضا عمل می‌کند.
۵. فضای جغرافیایی دارای شبکه‌ای از سیستم‌هاست که جریان داده و ستانده را بین عناصر ساختاری (روابط درون سیستمی) و نیز با سایر فضاها (روابط برون سیستمی) تسهیل می‌کند و به همراه جمعیت به مثابه روح فضا عمل می‌کند.
۶. فضای جغرافیایی فضایی متغیر و پویاست که فرایند تحولات آن تبیین‌شدنی است و نیروهای دینامیکی و دینامیسم فضایی چشم‌انداز آن را به طور پیوسته تغییر می‌دهند و به سوی توسعه و کمال پیش می‌برند.
۷. فضای جغرافیایی دارای مقیاس‌های مختلف است و در چارچوب نظام سلسله‌مراتبی از مقیاس خرد تا کلان (تا ماکرو) قرار می‌گیرد.
۸. فضای جغرافیایی، فضایی است همگن که قلمرو حرکت، فعالیت، مانور، احساسات و آرمان‌های انسان را برای زندگی بهتر تشکیل می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸)



شکل ۱. دینامیسم سیاسی - فضایی

منبع: حافظ‌نیا، ۱۳۸۷

فضای جغرافیایی، زیستگاه انسانهاست که دائماً در حال تحول است و صورت‌ها و ساخت‌های آن آفریده کنش متقابل انسان با محیط اوست و وجه ظاهر آن را «چشم‌انداز» تشکیل می‌دهد. فضا نیز به واسطه عناصر و کارکردهای خود بر سیاست تأثیر می‌نهد و از آن تأثیر می‌پذیرد.

شاخص‌های فضا در جغرافیای سیاسی

با توجه به آنچه که گفته شد، شاخص‌های فضا در جغرافیا را به شرح زیر می‌توان بیان کرد:

۱. موقعیت ۲. محیط زیست ۳. مکان ۴. سرزمین ۵. قلمرو ۶. کشور ۷. شهر ۸. شهروندی ۹. روستا ۱۰. ناحیه
۱۱. قانون سیاسی ۱۲. مرز ۱۳. مهاجرت ۱۴. اقلیت ۱۵. ملت ۱۶. هویت ملی.

دینامیسم فضا و سیاست

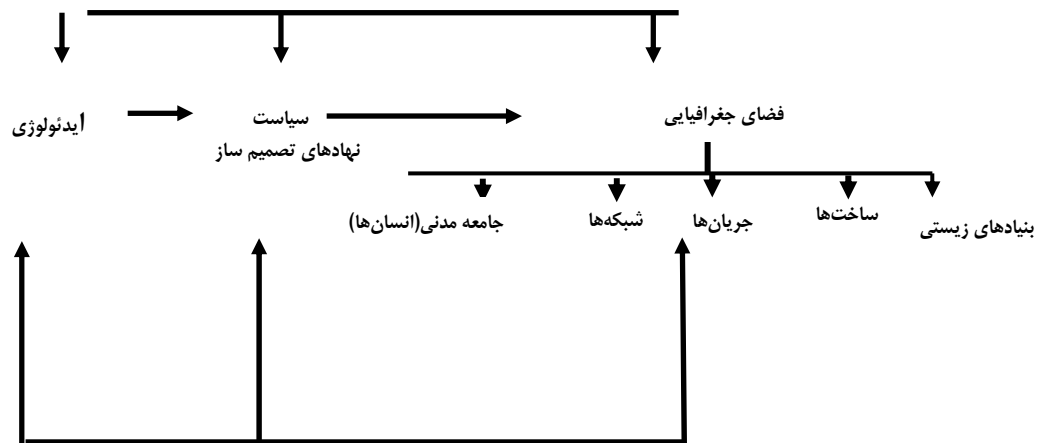
تأثیر تصمیمات و عملکردهای سیاسی بر فضای جغرافیایی، دگرگونی فضایی و اجتماعی را به دنبال دارد که به تولید نیروهای فشار منجر می‌شود و این نیروهای اجتماعی در همه سیستم‌های سیاسی منجر به تغییر و اصلاح سیاست‌ها و عملکردهای سیاسی می‌گردد و حتی نظام ارزش و ایدئولوژی و پیش‌فرض‌های آنها را نیز متحول می‌کند. از آنجا که فضا و سیاست دارای تحرک و پویایی‌اند و تغییر هر کدام از این دو مؤلفه باعث تغییر دیگری است، لذا در هر فضایی سیاست خاص آن فضا باید وجود داشته باشد. فضا به طور جبری در حال تحول است و متقابلاً سیاست را تحت تأثیر خود دچار تغییر می‌کند. بنابراین سیاست باید تحول پیدا کند تا متناسب با زمان خود جوابگوی نیازهای بشری باشد. در واقع دینامیسم سیاسی هم به عنوان علت و هم به عنوان معلول دینامیسم اجتماعی و فضایی عمل می‌کند و همین امر باعث تعادل عمومی در جامعه می‌شود. پس می‌توان گفت که عدم تعادل در جوامع، بیش از آنکه مربوط به شرایط طبیعی آنها باشد، بیشتر تحت تأثیر تأثیرات دینامیسم سیاسی جوامع به عنوان علت غایی دینامیسم اجتماعی و به تبع آن دینامیسم فضایی جوامع است (حافظانیا، ۱۳۷۸).

تأثیر متقابل سیاست و فضا

جغرافیا به لحاظ بنیادی علم فضاشناسی است و به لحاظ کاربردی علم فضاسازی، سیاست یعنی جوهر حاکمیت، فرمانروایی و اعمال قدرت از پایین‌ترین سطوح تا بالاترین سطوح آن. همواره بین سیاست و فضا رابطه وجود دارد. سیاست به واسطه حمایت ایدئولوژی و به وسیله نهادهای تصمیم‌ساز و مجری تصمیم بر فضا که متشکل از جامعه انسانی، شبکه‌ها، جریان‌ها، ساخت‌ها و نظایر اینهاست تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. تأثیر سیاست بر جغرافیا و همین‌طور تأثیر جغرافیا بر سیاست، برخی از جغرافی‌دانان را تا آنجا پیش برده است که عنوان کنند: جغرافیا قبل از هر چیز دانش سیاسی است. تأثیر متقابل سیاست و فضا در مدل مفهومی زیر بیان شده است.

در تشریح این مدل باید گفت که ایدئولوژی‌ها به عنوان بخش نرم‌افزاری در جامعه عمل می‌کنند و سیاست‌های خاص خود را دنبال می‌کنند و با تصویب سیاست‌های مورد قبول خود در فضای جغرافیایی تأثیرگذار هستند. سیاست و ایدئولوژی به عنوان فرایند و ساختار فضای جغرافیایی به عنوان فرم همواره با یکدیگر رابطه متقابل دارند.

عملکردهای فضایی متضمن ایدئولوژی، و سیستم معرفی داده‌هایی است که در جامعه نقشی ایفا می‌کنند، چرا که ایدئولوژی، افراد و گروه‌ها را در محدوده فضایی راه می‌برد و این راهبرد به گونه‌ای است که سازماندهی فضایی مبتنی بر فعالیت انسان‌ها را نمی‌توان دور از تأثیرات ایدئولوژی‌ها، نگرش‌های هماهنگ و ارزش‌های فرهنگی جامعه دانست (فرید، ۱۳۷۹، ۳۷).



شکل ۲. مدل مفهومی رابطه متقابل سیاست و فضا

بسیاری از تحقیقاتی که اخیراً بر روی تحرکات فضایی - اجتماعی صورت گرفته است، آشکارکننده نقش اساسی جریان‌ها و شبکه‌ها در هماهنگ کردن فعالیت‌های اساسی است (Nicholls, 2009, 78). جریان‌ها تداعی‌کننده حضور چشمگیر سیاست و ایدئولوژی در شکل‌بخشی به فضای جغرافیایی است.

فضا نمی‌تواند موضوعی جدا از ایدئولوژی و یا سیاست باشد، زیرا فضا همواره به صورت سیاسی و راهبردی عمل می‌کند. فضا تولیدی اجتماعی است و تولید فضا مانند تولید کالای تجاری است و نظام‌های مختلف سیاسی - اقتصادی، فضاهای مختلفی تولید می‌کنند (شکویی، ۱۳۸۲، ۲۹۸).

با توجه به تعریفی که از سیاست شد، می‌توان نتیجه گرفت که قوانین نیز نباید ثابت باشند و باید جنبه پویا داشته باشند تا بتوانند در برابر کنش فضا واکنش مناسب را از خود نشان دهند. از طرف دیگر گروه انسانی مقیم به عنوان بخشی از فضا، خود موجودی دینامیک است، که با توجه به شرایط زمانی و مکانی نیازهای متفاوتی برای آن ایجاد شده است که فضای ثابت نمی‌تواند جوابگوی نیازهای آن باشد. بنابراین سیاست هر فضای جغرافیایی باید چنان پویا و روزآمد باشد، که نیازهای جامعه انسانی را برآورده کند.

از آنجا که مقاله حاضر به منظور شاخص‌سازی مؤلفه‌های سیاست و فضا در حوزه مطالعاتی جغرافیای سیاسی سازماندهی شده است، علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای نیاز به گردآوری اطلاعات میدانی با استفاده از روش پرسش‌نامه نیز احساس می‌شد، تا به این وسیله نتایج نظری تحقیق در معرض سنجش و به عبارتی رتبه‌بندی صاحب‌نظران قرار گیرد. به این منظور اقدام به طراحی پرسشنامه شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها - به تعداد ۵۰ - نتایج آن در جدول ۳ گردآوری شد.

جدول ۳. داده‌های مستخرج از پرسشنامه‌ها

عنوان	عنوان شاخص	فراوانی به عنوان شاخص فضایی	درصد مطلق به عنوان شاخص فضایی	فراوانی به عنوان شاخص سیاسی	درصد مطلق به عنوان شاخص سیاسی	کل وزن	میانگین وزن	نسبت تفاوت به میانگین	
شاخص‌های موقفه به سیاست	قانون اساسی	6	12	49	98	387	7.45	1.55	
	فرایند تصمیم‌گیری	10	20	43	86	324.5	6.25	0.35	
	مدیریت	14	28	41	82	327	6.3	0.4	
	فرمانروایی	26	52	31	62	360	7	1.1	
	صدور حکم	2	4	48	96	285	5.5	-0.4	
	تدوین قانون	2	4	49	98	309.5	6	0.1	
	تصویب قانون	1	2	49	98	363	7	1.1	
	تصویب آیین‌نامه	3	6	49	98	275	5.3	-0.6	
	صدور دستورالعمل	3	6	48	96	265	5.1	-0.8	
	صدور بخشنامه‌ها	5	10	48	96	247.5	4.8	-1.1	
	تنظیم لوایح	4	8	49	98	255.5	4.9	-1	
	راهبرد (استراتژی)ها	22	44	38	76	296.5	5.7	-0.2	
	(رئیس / نظام) حکومت	4	8	49	98	327.5	6.3	0.4	
	دولت	13	26	47	94	307.5	6	0.1	
	(دولت / حکومت) محلی	30	60	37	74	309.5	6	0.1	
	مجلس	2	4	50	100	298.5	5.75	-0.15	
	انتخابات	36	72	37	74	315.5	6.1	0.2	
	مشارکت سیاسی	9	18	42	84	292.5	6.2	0.3	
	رهبران و نخبگان سیاسی	0	0	50	100	306	5.9	0	
	احزاب	1	2	50	100	271	5.3	-0.6	
	گروه‌های فشار	0	0	50	100	248	4.8	-1.1	
	سازمان‌های بین‌المللی	14	28	49	94	246	4.8	-1.1	
	سازمان‌های جهانی (سازمان ملل)	34	68	34	68	248	4.8	-1.1	
	سازمان‌های منطقه‌ای	33	66	25	50	218	4.2	-1.7	
	اتحادیه‌ها و پیمان‌های دو یا چند جانبه	27	54	33	66	216.5	4.2	-1.7	
	سازمان‌های غیرحکومتی (NGO)	35	70	23	46	263.5	5.1	-0.8	
	نهادهای اقتصادی و تجاری	29	58	37	74	277	5.4	-0.5	
	موقعیت	49	98	2	4	358	6.9	1	
	شاخص‌های موقفه به فضا	بنیان‌های زیستی (آب، خاک و هوا و جز آن)	50	100	0	0	381.5	7.4	1.5
		محیط زیست	50	100	0	0	356.5	6.9	1
مکان		50	100	0	0	376.5	7.3	1.4	
سرزمین		50	100	4	8	368.5	7.1	1.2	
قلعرو		50	100	3	6	359.5	7	1.1	
کشور		50	100	8	16	378	7.3	1.4	
شهر		50	100	0	0	368	7.1	1.2	
روستا		50	100	0	0	317.5	6.2	0.3	
ناحیه		50	100	0	0	326	6.3	0.4	
منطقه		50	100	0	0	330	6.4	0.5	
شبکه‌های ارتباطی (راه‌آهن، بزرگراه‌ها و جز آن)		47	94	3	6	282.5	5.5	-0.4	
ساخت‌های صنعتی و معدنی		47	94	3	6	263.5	5.1	-0.8	
ساخت‌های تولیدی		47	94	3	6	257.5	5	-0.9	
ساخت‌های خدماتی		47	94	3	6	249.5	4.8	-1.1	
ساخت‌های سکونتگاهی		47	94	3	6	256	5	-0.9	
ساخت‌های دفاعی و امنیتی		47	94	13	26	272	5.3	-0.6	
ساخت‌های کالبدی		47	94	7	14	321	6.2	0.3	
مرز	47	94	16	32	358.5	6.9	1		

ادامه جدول ۳. داده‌های مستخرج از پرسشنامه‌ها

عنوان	عنوان شاخص	فراوانی به عنوان شاخص فضایی	درصد مطلق به عنوان شاخص فضایی	فراوانی به عنوان شاخص سیاسی	درصد مطلق به عنوان شاخص سیاسی	کل وزن	میانگین وزن	نسبت تفاوت به میانگین
جمعیت	47	94	9	18	335	6.8	0.9	+
مهاجرت	47	94	15	30	251	4.9	-1	-
اقلیت	47	94	16	32	251.5	4.9	-1	-
ملت	46	92	21	42	320	6.2	0.3	+
هویت	46	92	36	72	297.5	5.8	-0.1	-

منبع: یافته‌های تحقیق

تجزیه و تحلیل داده‌ها

بررسی وضعیت شاخصه‌های مؤلفه سیاست و فضا براساس یافته‌های میدانی

پس از دریافت دیدگاه‌های کارشناسان و تجزیه آنها نتایج بدین شرح حاصل شد که در بین تمام شاخص‌های سیاسی، قانون اساسی و اتحادیه‌ها و پیمان‌های دو یا چندجانبه با وزنی معادل ۳۸۷ و ۲۱۶/۵، بالاترین و پایین‌ترین وزن دریافتی را داشته‌اند.

از ۲۷ شاخص موردنظر که به عنوان شاخص‌های سیاسی در نظر گرفته شده بود، ۲۰ شاخص عنوان سیاسی مطلق را به خود اختصاص داده‌اند، ۶ مورد عنوان دوگانه یا سیاسی - فضایی را به خود اختصاص داده‌اند، و تنها ۱ مورد از شاخص‌های سیاسی با توجه به نظریات کارشناسان به عنوان شاخصی فضایی مورد شناسایی قرار گرفت. در مورد شاخص‌های فضایی و تجزیه و تحلیل آنها نتایج به این شرح حاصل شد که در بین تمام شاخص‌های فضایی، بنیان‌های زیستی (آب، خاک و هوا و جز اینها) و ساخت‌های خدماتی با وزنی معادل ۳۸۱/۵ و ۲۴۹/۵، بالاترین و پایین‌ترین وزن دریافتی را داشته‌اند.

از ۲۴ شاخص مورد نظر که از دید محقق به عنوان شاخص‌های فضایی در نظر گرفته شده بود، ۲۲ شاخص عنوان فضایی مطلق را به خود اختصاص داده‌اند، و ۲ شاخص عنوان دوگانه یا سیاسی - فضایی را.

جدول ۴. وضعیت کلی شاخص‌های سیاسی و فضایی براساس یافته‌های میدانی تحقیق

مورد مورد ارزیابی	سیاسی	فضایی
با اهمیت‌ترین شاخص از نظر وزن دریافتی	قانون اساسی	بنیان‌های زیستی (آب، خاک و هوا و جز اینها)
کم‌اهمیت‌ترین شاخص از نظر وزن دریافتی	اتحادیه‌ها و پیمان‌های دو یا چند جانبه	ساخت‌های خدماتی
تعداد شاخص‌های سیاسی مطلق	۲۰	۰
تعداد شاخص‌های دو وجهی	۶	۲
تعداد شاخص‌های فضایی مطلق	۱	۲۲
کل وزن دریافتی شاخص‌های سیاسی	۷۸۴۰/۵	۷۶۳۵
میانگین جمع وزن شاخص‌ها	۲۹۰/۴	۳۱۸,۱۴
میانگین وزن شاخص‌ها	۵/۷	۶,۲
میزان اختلاف نسبت به میانگین کل	۰/۲ منفی	۰,۳ مثبت

به این ترتیب می‌توان شاخصه‌های متغیر سیاست در جغرافیای سیاسی را براساس اهمیت و وزن دریافتی آن‌ها با توجه به جدول ۵ رتبه‌بندی کرد:

جدول ۵. رتبه‌بندی شاخصه‌های متغیر سیاست در جغرافیای سیاسی براساس وزن دریافتی

شاخص‌ها	درجه اهمیت	وزن
صدر بخشنامه‌ها، اتحادیه‌ها و پیمان‌های دو یا چند جانبه، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های جهانی (سازمان ملل)، سازمان‌های منطقه‌ای، گروه‌های فشار.	خیلی کم	۲۵۲-۲۱۶/۵
سازمان‌های غیر حکومتی (NGO)، نهادهای اقتصادی و تجاری، احزاب، تنظیم لوایح، دستورالعمل، تصویب آیین نامه، صدور حکم.	کم	۲۸۷-۲۵۳
رهبران و نخبگان سیاسی، مشارکت سیاسی، انتخابات، مجلس، (دولت/ حکومت) محلی، دولت، استراتژی‌ها، تدوین قانون.	متوسط	۳۲۲-۲۸۸
فرایند تصمیم‌گیری، مدیریت، (رئیس / نظام) حکومت	زیاد	۳۵۷-۳۲۳
فرمانروایی، تصویب قانون، قانون اساسی.	خیلی زیاد	۳۹۲-۳۵۸

شاخصه‌های مؤلفه فضا در جغرافیای سیاسی را براساس اهمیت و وزن دریافتی آن‌ها با توجه به دیدگاه‌های کارشناسان، بدین شرح می‌توان رتبه‌بندی کرد.

جدول ۶. رتبه‌بندی شاخصه‌های متغیر فضا در جغرافیای سیاسی براساس وزن دریافتی

شاخص‌ها	درجه اهمیت	وزن
ساخت‌های صنعتی و معدنی، ساخت‌های تولیدی، ساخت‌های خدماتی، ساخت‌های سکونتگاهی، ساخت‌های دفاعی و امنیتی، مهاجرت، اقلیت.	خیلی کم	۲۷۶/۵-۲۴۹/۵
هویت، شبکه‌های ارتباطی (راه‌آهن، بزرگراه‌ها و جز اینها)	کم	۳۰۴-۲۷۷
روستا، ناحیه، منطقه، ساخت‌های کالبدی، ملت.	متوسط	۳۳۲-۳۰۵
موقعیت، محیط زیست، قلمرو، مرز، جمعیت.	زیاد	۳۶۰-۳۳۳
بنیان‌های زیستی (آب، خاک و هوا و جز آن)، مکان، سرزمین، کشور، شهر	خیلی زیاد	۳۸۷-۳۶۰

نتیجه‌گیری

پس از جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و سنجش آن‌ها به‌واسطه یافته‌های میدانی، شاخص‌های زیر به عنوان شاخص مؤلفه سیاست در جغرافیای سیاسی شناسایی شدند.

قانون اساسی، فرایند تصمیم‌گیری، مدیریت، صدور حکم، تدوین قانون، تصویب قانون، تصویب آیین نامه، صدور دستورالعمل، صدور بخشنامه‌ها، تنظیم لوایح، (رئیس / نظام) حکومت، دولت، مجلس، مشارکت سیاسی، رهبران و نخبگان سیاسی، احزاب گروه‌های فشار، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های جهانی (سازمان ملل)، سازمان‌های منطقه‌ای، غیرحکومتی (NGO)، اتحادیه‌ها و پیمان‌های دو یا چندجانبه، نهادهای اقتصادی و تجاری، انتخابات، دولت / حکومت محلی، استراتژی‌ها، فرمانروایی. از آنجا که شاخص‌های شناخته شده در مباحث نظری و یافته‌های میدانی،

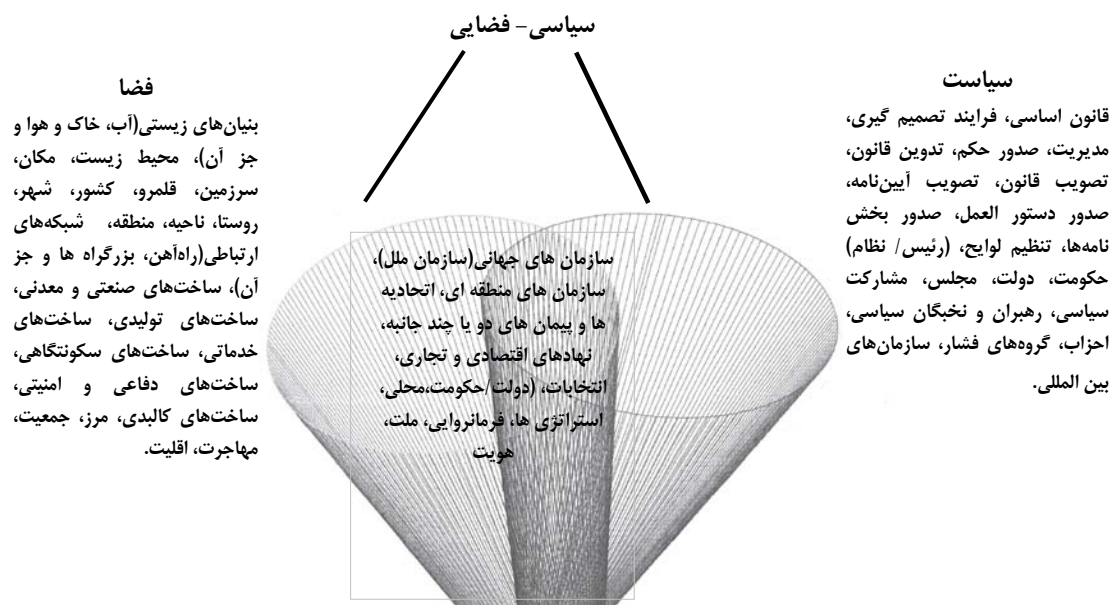
شاخص‌های ذکر شده در فرضیه اول را شامل می‌شود، می‌توان فرضیه اول تحقیق را پذیرفت. اما در فرضیه بعدی پس از جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و سنجش آنها به واسطه یافته‌های میدانی، شاخص‌های زیر به عنوان شاخص مؤلفه سیاست مورد شناسایی قرار گرفتند. بنیان‌های زیستی (آب، خاک و هوا و جز آن)، محیط زیست، مکان، سرزمین، قلمرو، کشور، شهر، روستا، ناحیه، منطقه، شبکه‌های ارتباطی (راه‌آهن، بزرگراه‌ها و جز اینها)، ساخت‌های صنعتی و معدنی، ساخت‌های تولیدی، ساخت‌های خدماتی، ساخت‌های سکونتگاهی، ساخت‌های دفاعی و امنیتی، ساخت‌های کالبدی، مرز، جمعیت، مهاجرت، اقلیت ملت و هویت.

از آنجا که شاخص‌های شناخته شده در مباحث نظری و یافته‌های میدانی، شاخص‌های ذکر شده در فرضیه دوم را شامل می‌شود، می‌توان حکم به پذیرش فرضیه اول تحقیق داد.

در انتها می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که از ۵۱ شاخص مورد آزمون ۲۷ شاخص به عنوان شاخص‌های سیاسی در نظر گرفته شده بود، ۲۰ شاخص عنوان سیاسی مطلق، ۶ مورد عنوان دوگانه یا سیاسی - فضایی، تنها ۱ مورد از شاخص‌های سیاسی با توجه به نظر کارشناسان به عنوان شاخصی فضایی مورد شناسایی قرار گرفت. مجموع وزن دریافتی شاخص‌های سیاسی ۷۸۴۰/۵ است که به‌طور میانگین هر شاخص ۲۹۰/۴ امتیاز را کسب کرد.

از ۲۴ شاخص مورد نظر که به عنوان شاخص‌های فضایی در نظر گرفته شده بود، ۲۲ شاخص عنوان فضایی مطلق و ۲ شاخص عنوان دوگانه یا سیاسی - فضایی را به خود اختصاص دادند. مجموع وزن دریافتی شاخص‌های فضایی ۷۶۳۵ است که به‌طور میانگین هر شاخص ۳۱۸/۱۴ امتیاز را کسب کرده است.

داده‌های تحقیق نشانگر اهمیت بیشتر شاخصه‌های مؤلفه فضا در جغرافیای سیاسی‌اند. با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان شاخصه‌های مؤلفه‌های سیاست و فضا را در جغرافیای سیاسی با زیرمجموعه‌های مرتبط با آنها در قالب شکل ۳ تقسیم‌بندی کرد.



شکل ۳. مدل شاخصه‌های مؤلفه سیاست و فضا در جغرافیای سیاسی

از آنجا که شاخص‌های شناخته شده در مباحث نظری به واسطه یافته‌های میدانی تأیید می‌شوند، می‌توان شاخصه‌های ذکر شده را به عنوان شاخصه‌های مؤلفه سیاست و فضا در جغرافیای سیاسی در نظر گرفت.

تقدیر و تشکر

نگارندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند مراتب سپاس و قدردانی خود را از دانشگاه تربیت مدرس به خاطر حمایت‌های صورت گرفته، که در مسیر اجرای این تحقیق انجام گرفته است، به جای آورند.

منابع

- Abdorahman, Alam, 2006, **Foundations of Policy Science**, Ney Publication, Tehran.
- Ansar, Peer, 2002, **Ideologies Struggles and Power**, Translator: Majid Sharif, Tehran, First, Ghasidegara.
- Bal, Trance & Deger, Richard, 2003, **Political Ideologies & Democratic Ideal**, Translator, Ahmad Sabori, First, Political and International Studies Center, Tehran.
- Boden, Reimond, 1999, **Ideology in Basis Believes**. Translator: Iraj Aliabadi, First, Shirazeh, Tehran.
- Farid, Yadollah, 2000, **Ideology and Basics of Demography**, Azad University Publication Ahar.
- Hafeznia, Mohamadreza, 2008, **in Class Dissection in MA 1386**, Tarbiat Modares University.
- Hei Wood, Andro, 2000, **Introduction to Political Ideology**, Translator, Mohamad Rafiee Mehr Abadi, First, Political and International Studies Center, Tehran.
- Kecelz, Alen, 2001, **Ideology and International Relation in Modern World**, Translator: Mahmud Abdollahzade, Cultural Research Center, Tehran.
- Ketabi. Mahmud, 1995, **New Governing and Policy Theory**, 1st Volume, Gol Bahar Publication, Esfahan.
- KHosravi, Kamal, 1995, **Ideology Crisis**, Akhtaran Publication, Tehran.
- Larin, Khorkhe, (1992), **Ideology Concept**, Translator: Fariborz Majidi, Foreign Minister Publication, Tehran.
- Mac Lellan, David, 2006, **Ideology**, Translator: Mohamad Rafiee Mehr Abadi, Ashian Publication.
- Madanipor, Ali, 2000, **Civil Engineering (Approach to Process of Social and Palatial)**, Planning and Analyzing co, Tehran.
- Mojtahedzade, Piruz, 2002, **Political Geography and Geographic Policy**, SAMT Publication, Tehran.
- Nicholls Walter, 2009, **Place, Networks, Space: Theorizing The Geographies**, of Social Movements, Transactions, N, 341, p. 78-92.

Rash, Michel, 1993, **Society and Policy**, Translator: Manochehr Sabori, SAMT Publication, Tehran.

Shokoe, Hossein, 1994, **New Thoughts in Geography Philosophy**, 8th Edition, Git Publication, Tehran.

Timothy Doyle and Doug Meachern, 2001, **Environment and Politics**, Second Edition, Routedledge, p. 11.

Wincent, Andro, 1999, **Modern Political Ideology**, Translator: Morteza Saghebfar, First, Ghoghnos, Tehran.